



## نقش شیخ انصاری در فقه اسلامی

**کلیدواژه:** [فقه و اصول](#)، [شیخ انصاری](#)، ابتکارات، [راز موفقیت](#).

**پرسش:** نقش [شیخ انصاری](#) در [فقه اسلامی](#) و راز موفقیت او چه بود؟

**پاسخ:** شیخ مرتضی انصاری (رحمة الله علیه)، از قبیله احیاگرانی است که دغدغه کار آمدی [فقه](#) و استواری مکتب قانون گذاری را در سر داشت. او با دید عمیق و آگاهی‌های گسترده‌ای که داشت، روشی نو و مکتبی جدید در فقه پی ریخت و در [اصول](#)، اندیشه‌هایی تازه عرضه داشت؛ مانند بحث حاکم بودن یکی از ادله بر دلیل‌های دیگر در میث [تعدل و تراجح](#)، بها دادن شایسته به [عقل](#) و [خرد](#) در شناخت حکم و مهارت و تسلط بر آیات، روایات و دیدگاه‌های فقهای قبل از خود. هنوز افکار او در حوزه‌های علوم دینی، فصل الخطاب است و فهم کتاب‌های او، ملاک [اجتهاد](#) و [استنباط](#).  
رازهای موفقیت شیخ انصاری را می‌توان در چند چیز یافت: [برهان‌گرایی](#) و [خردمندی](#)، وفاق و بهره‌وری از دیدگاه‌های فقهای دیگر، [آزاداندیشی](#) و [جامع‌نگری](#) و [تهذیب نفس](#).

### فهرست مندرجات

- ۱- مقدمه
- ۲- زندگی‌نامه
- ۳- مقام علمی
- ۴- خدمت شیخ انصاری به فقه
  - ۴.۱- حاکم بودن یکی از ادله
  - ۴.۲- بها ویژه به عقل و خرد
  - ۴.۳- بالندگی فقه شیعه
  - ۴.۴- تسلط شیخ بر نظریات فقیهان
  - ۴.۵- باب بندی جدیدی در اصول و فقه
- ۵- راز موفقیت شیخ انصاری
  - ۵.۱- برهان‌گرایی و خردمندی
  - ۵.۲- وفاق و بهره‌وری
    - ۵.۲.۱- وفاق بین دیدگاه‌های فقیهان
    - ۵.۲- آزاداندیشی و جامع‌نگری
    - ۵.۴- تهذیب نفس
- ۶- نتیجه
- ۷- پانویس
- ۸- منبع

### مقدمه

**تمدن، فرهنگ و معنویت** روزگار ما، مرهون اندیشه‌های خلاق است. انسان‌هایی که با همت خویش؛ فرهنگ، [اخلاق](#) و میراث معرفتی جامعه خویش را احیا کردند و خود چراغی به راه پیشرفت ترقی و تکامل جوامع شدند. در دامن فهم شریعت، تبیین احکام و مقررات دینی و تعلیم وحی علوم گوناگونی سر بر آورد و در هر یک از آن دانش‌ها مردانی چهره شدند و میدان دار. در عرصه فقه و اصول که میراثی بسیار غنی در این باب به یادگار مانده و معارف و تعالیمی زندگی ساز و روح افزا به ارمغان آورده است، مردانی بزرگ با اندیشه‌ای اسلامی قد علم کردند و در دانش اجتهاد سرفصلی جدید باز گشودند، و با تاسیس روش و مکتبی جدید، نام خویش را به درازای عمر آن علوم جاودان کردند. شیخ مرتضی انصاری (رحمة الله علیه)، از قبیله احیاگرانی است که دغدغه کار آمدی فقه و استواری مکتب قانون گذاری را در سر داشت. او با دیدی عمیق و آگاهی‌های گسترده‌ای که داشت، روشی نو و مکتبی جدید در فقه پی ریخت و در اصول، اندیشه‌هایی تازه عرضه داشت. هنوز افکار او در حوزه‌های علوم دینی، فصل الخطاب است و فهم کتاب‌های او، ملاک [اجتهاد](#) و [استنباط](#).

### زندگی‌نامه

عالم وارسته، شیخ مرتضی انصاری فرزند شیخ [مجد امین انصاری](#) روز [عید غدیر خم](#) سال ۱۲۱۴ هـ. ق، در شهر دزفول و در خاندان فضل و ادب به دنیا آمد.

[۱] [امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۷، دار التعارف، بیروت، ۱۴۰۶ق.](#)

[۱] حسینی جلالی، سید مجد حسین، فهرس التراث، ج ۲، ص ۱۵۶، انتشارات دلیل ما، قم، ۱۴۲۲ق.

[۲] سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۶۵۴، مؤسسه امام صادق، قم.  
نسب خاندان انصاری به **حاج میرزا عبداللہ انصاری**، صحابی معروف **بیامیر اسلام (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم)** می‌رسد.

[۳] **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۷.**

[۴] سید مجد حسین، فهرس التراث، ج ۲، ص ۱۵۶.

شیخ انصاری یکی از نامورترین و پرآوازه‌ترین فقها و مراجع عالیقدر **تقلید** در عصرهای اخیر، و یکی از محقق‌ترین چهره‌های علمی و فقهی قرون متأخر به شمار می‌آید. او، مراحل ابتدایی تحصیلات خود را نزد عموی بزرگوار شیخ حسین انصاری و پدر محترمشان سپری کرد.

[۵] **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۷.**

[۶] سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۶۵۴.

در سال ۱۲۳۲ هـ. ق، همراه پدر بزرگوارش جناب ملا امین انصاری به زیارت **ائمه (علیه السلام)** در **عراق** مشرف شد.

[۷] سید مجد حسین، فهرس التراث، ج ۲، ص ۱۵۶.

او توجه سید **مجد مجاهد** فرزند آقا سید **علی صاحب ریاض**، را به خود جلب کرد. و از پدر شیخ درخواست کرد او را در **نجف** بگذارد تا تحصیلاتش را ادامه دهد و این درخواست مورد قبول پدر واقع شد.

شیخ انصاری **چهار سیال** در محضر بزرگانی؛ مانند **ملا احمد نراقی** و شیخ موسی بن شیخ **جعفر کاشف الغطاء** ادامه تحصیل داد تا این که داود پاشا، والی بغداد، از طرف سلطان عثمانی به محاصره **کربلا** مامور شد و در نتیجه، اکثر طلاب و محصلین به **کاظمین** مهاجرت کردند و شیخ مرتضی انصاری هم به وطن اصلی خود؛ یعنی دزفول برگشت.

[۸] **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۸.**

پس از دو سال، شیخ انصاری تصمیم مراجعت به **نجف** اشرف گرفت. شیخ مرتضی به نجف رفته و در درس **شیرف العلماء** و مرحوم کاشف الغطاء حاضر شد و در اندک مدتی در زمره شاگردان برجسته صاحب جواهر قرار گرفت و مورد عنایت خاص آن استاد فرزانه واقع شد.

[۹] **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۸.**

[۱۰] سید مجد حسین، فهرس التراث، ج ۲، ص ۱۵۶.

تا آن جا که از اساتید بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف شد.

شیخ انصاری بر حسب ارادت وافر که به حضرت **امام رضا (علیه السلام)** داشت در **سال ۱۲۴۰** هـ. ق، برای زیارت آن حضرت راهی **ایران** شد.

[۱۱] **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۸.**

[۱۲] سید مجد حسین، فهرس التراث، ج ۲، ص ۱۵۶.

نبوغ علمی و فکری او زبانزد خاص و عام شده بود و همه او را مرجع و ملجا خود می‌شناختند. شیخ در نجف، کرسی استادی داشت تا این که در سال ۱۲۴۶ هـ. ق، از طرف شیخ مجد حسن صاحب جواهر به مرجعیت عامه رسید.

[۱۳] سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۶۵۵.

شیخ انصاری با **سعید العلماء مازندرانی** در کربلا هم درس بود و او را بر خود ترجیح می‌داد. به این سبب بعد از فوت صاحب جواهر از **فتوا** دادن خودداری نموده، نامه‌ای به این مضمون به ایشان نوشت؛ هنگامی که شما در کربلا بودید و با هم از محضر صاحب جواهر استفاده می‌نمودیم، فهم شما از من بیشتر بود، حال سزاوار است به نجف آمده و این امر مهم را متکفل شوی. و سعید العلماء در جواب نوشت: آری، لکن شما در این مدت در آن جا مشغول به تدریس و مباحثه بودید و من در این جا گرفتار امور مردم می‌باشم و شما در این امر از من سزاوارتر هستی.

[۱۴] سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۵۹۰.

شیخ پس از رسیدن این نامه به حرم مطهر **حضرت علی (علیه السلام)** مشرف شد و از حضرت خواست که وی را در این امر مهم یاری فرماید. از **سال ۱۲۴۶** هـ. ق تا هنگام وفات، ریاست حوزه علمیه نجف اشرف در دست با کفایت او بود و عامه شیعیان جهان از وی تقلید می‌کردند.

شیخ انصاری در شب **۱۸ جمادی الثانی** سال ۱۲۸۱ هـ. ق، در نجف اشرف پس از ۶۷ سال زندگی پربار دار فانی را وداع گفت.

[۱۵] **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۷.**

[۱۶] سید مجد حسین، فهرس التراث، ج ۲، ص ۱۵۷.

و در باب قبله صحن مطهر حضرت امام علی (علیه السلام) در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

## مقام علمی

شیخ انصاری بی گمان یکی از نوایغ بزرگ **اسلام** است. نام شیخ مرتضی انصاری با دو کتاب بسیار ارزنده: «**فرائد الاصول**» و «**المکاسب**» در **اصول و فقه** همراه است و با این دو اثر جاودان، نام خود را در پهنه معارف اصیل اسلام جاودانه کرده است. او، از کسانی است که در دقت و عمق نظر، بسیار کم نظیر است. علم اصول و بالتبع فقه را وارد مرحله جدیدی کرد؛ او در فقه و اصول ابتکاراتی دارد که بی سابقه است. او آغازگر و پایه گذار اصول نوینی در فقه و اصول جعفری است. او در زندگی و حیات مادی و معنوی خویش پیراسته و منزله از هر نوع **نظاھر** و **تفاخر** بوده است و در تلاش‌های علمی خود جز خدا و رضایت او و جز پیشبرد احکام الهی، فکر و اندیشه دیگری نداشته است.

[۱۷] رشتی، حبیب الله بن مجدعلی، بدائع الافکار، ص ۴۵۷، مؤسسه آل البیت، قم، چاپ اول.

در عظمت علمی و نبوغ فکری شیخ مرتضی انصاری (رحمة الله علیه) همین قدر کافی است که بعد از **محقق حلی** و **علامه حلی** و **شهید اول**، **شیخ انصاری** تنها کسی است که تاکنون بسیاری از علما و فضلا و دانشمندان و معارف رجال اسلامی بر کتب و نوشته‌های او حاشیه و تعلیقه نگاشته‌اند و کتاب‌های تالیفی او به کرات در **ایران، عراق** و دیگر کشورهای اسلامی مورد تجدید طبع قرار گرفته است. شخصیت‌های بزرگی مانند: **آخوند ملا مجد کاظم خراسانی** (صاحب کفایة الاصول)، **سید مجد کاظم یزدی** (صاحب عروة الوثقی)، **حاج میرزا حبیب الله رشتی، میرزا حسن آشتیانی، شیخ مجد حسین کاشف الغطاء، سید عبدالحسین شرف الدین، شیخ مجد جواد بلاغی، شیخ مجد حسین مامقانی** و تعداد کثیری از علما و مجتهدین میرز و نامدار که نام بردن آنها به درازا می‌کشد، بر آن حاشیه و تعلیقه دارند.

در مکتب پربار و حوزه پربرکت تدریسی شیخ بزرگوار انصاری، شاگردان متعددی تربیت یافتند

[۱۸] **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۸.**

[۱۹] سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۶۵۶.

که بین دانشمندان **شیعه** و حتی دانشمندان همه فرقه‌های اسلام دارای مقامی بس ارجمند هستند. در فضیلت اینان همین بس که درباره هر کدام از آنها در مقام تعریف و توصیف می‌گویند؛ او از شاگردان شیخ انصاری بود. و با دارا بودن این مقام، بر سایر علمای هم سطح ترجیح و برتری داده می‌شود. از شاگردان برجسته شیخ انصاری می‌توان به **میرزای شیرازی**، رهبر مذهبی **حنیش تباکو** و مرحوم **آخوند خراسانی** اشاره نمود.

نقش و خدمت شیخ انصاری به دنیای **فقه** و فقاہت را باید در نظریات ابتکاری و ابداعی او جست وجو نمود. او، دیدگاه‌های ابتکاری تأثیرگذاری در فقه و اصول به وجود آورد. در این جا، به برخی از این ابتکارات و ابعاد روش اجتهادی و مکتب فقهی او اشاره می‌شود.

### ← حاکم بودن یکی از ادله

نظریه حاکم بودن یکی از ادله بر دلیل‌های دیگر در مبحث **تعادل و تراجیح**.

### ← بها ویژه به عقل و خرد

بها دادن شایسته به عقل و خرد در شناخت حکم و قانون اسلام؛ او کوشید که به منکرین اعتبار **عقل** در شناخت معارف و احکام اسلامی ثابت کند که ملازمه‌ای میان عقل و **شرع** وجود دارد و آنچه را که عقل حکم می‌کند، شرع نیز حکم می‌کند و حکومت این قاعده در اغلب فتاوا و نظریات شیخ انصاری، جلوه خاصی دارد، منتهی باید خود عقل و آن قاعده فقهی مورد ارزیابی قرار گیرد که عقل چگونه عقلی باشد و قاعده نیز کدام قاعده باشد؟

او، دلیل عقلی که با **ملازمه**، حکم شرع را اثبات می‌کند، قطعی دانسته و بر این باور است که دلیل نقلی مخالف عقل یا باید به کناری گذاشته شده و یا **حجل** بر خلاف **ظاهر** شود و در این زمینه می‌نویسد: «و الذی یقتضیه النظر- وفاقا لاكثر اهل النظر- انه: كلما حصل القطع من دلیل عقلی فلا يجوز ان يعارضه دلیل نقلی، و ان وجد ما ظاهره المعارضة فلا بد من تاويله ان لم یمكن طرحه؛ آنچه را که فکر و اندیشه اقتضا می‌کند و مورد وفاق اکثر اندیشمندان است این است که: هرگاه از دلیل عقلی نسبت به چیزی **قطع** حاصل شود پس جایز نیست که دلیلی نقلی با آن معارضه کند هرچند دلیلی یافت شود که ظاهرش معارضه است و ناگزیر از تاویل آن هستیم اگر طرحش ممکن نباشد».

[۱۱] **الانصاری، الشیخ مرتضی، فرائد الاصول، ج ۱، ص ۵۷.**

### ← بالندگی فقه شیعه

شیخ انصاری میراث اصولی و فقهی **شیعه** را در غربال اندیشه‌اش زیر و رو کرد، سره را از ناسره نمود، و از این راه به مکانتی رسید که چنین توصیفش کردند: «او را آثاری در **علم اصول و فقه** است که زیدگان مجال احاطه به ژرفایی مطالب آن را ندارند، چه در آن کتاب‌ها، باریک بینی‌هایی اعجاب برانگیز و تحقیقاتی شگفت و بدیع است...».

[۱۲] **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۱۸.**  
و «هرکه پس از شیخ در **اصول عملیه** سخنی گفته است، از دریای ژرف و بی کران اندیشه او در این زمینه بهره برده است».

[۱۳] مغنیه، شیخ مجد جواد، علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید، ص ۴۳۹، دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ اول، ۱۹۷۵ م.

بیشتر مبانی **اجتهاد** در مکاسب طرح شده و چگونگی بهره‌وری و کاربرد از مباحث اصول در استنباط و **اجتهاد** آمده است. همین، عامل بالندگی فقه پس از او گردید و سبکی نو در اجتهاد و استنباط احکام پدید آورد.

برخی بزرگان، روش اجتهادی و تعلیمی او را چنین ترسیم کرده‌اند:  
«شیخ انصاری، استنادی چیره دست بود. بسیاری از علمای بزرگ و اساتید در درس او شرکت می‌کردند. گفته‌اند: او در **نحو، صرف، منطق، معانی** و بیان مهارتی ویژه داشت. شنیده شده است: کتاب **طول تفتازانی** را چهل مرتبه مرور کرده است، چه به تدریس، مباحثه و مطالعه. در تدریس روشی خاص داشت. صاحب سبکی در **اجتهاد** بود که معاصران او، از این محروم بودند. بیانی رسا و نطقی گویا و فصیح داشت. به نیکوترین فرمی بین نظرات محققان جمع می‌کرد و نظرات ابتکاری فقیهان را از اقوال تقلیدی، جدا می‌ساخت و مقصود و منظور هر **فقیه** را به روشنی آشکار می‌کرد و بر گفته‌های آنان با بیانی نیکو و برهانی قاطع استدلال می‌کرد. چه بسیار با نظر جمهور فقها مخالفت می‌کرد و نظر گاه‌های نادر و کم طرفدار را برمی‌گزید؛ زیرا در اجتهادش به آن رسیده بود و فکرش به درستی آن گواهی داده بود. اقوال فقیهان را جز به مقدار نیاز نقل نمی‌کرد».

[۱۴] شیخ مجد حرز الدین، معارف الرجال، ج ۲، ص ۴۰۰، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.

### ← تسلط شیخ بر نظریات فقیهان

شیخ انصاری مهارت و تسلط بر نظریات فقیهان، احادیث و آیات **قرآن** داشت. دقت نظر و پژوهیدن در مبانی اقوال، **تفقه** در آیات و احادیث و به کارگیری **منطق و استدلال**، عامل ابداع سبکی نو در **استنباط** شد. حدیث بلند و پر مایه مؤسس **فقه جعفری** (شیخ انصاری، در اول کتاب مکاسب خود، حدیث مبسوطی را که اساس بسیاری از احکام **معاملات** است، از کتاب «**تحف العقول**» روایت کرده است)

[۱۵] **ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، ص ۳۳۱، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.**

را دست مایه و متن پژوهش خویش در **مکاسب مجرمه** قرار داد و با نظم خاصی، تبیین **کسب‌های حرام** پیش گرفت و معارف و تعالیم آن را با نیازها و ابعاد زندگی تجاری آن روز تطبیق کرد.

### ← باب بندی جدیدی در اصول و فقه

شیخ، باب بندی جدیدی، آن هم نه صوری که محتوایی و ریشه‌ای، در فقه و اصول پی ریخت. تقسیمی که موضوع اصول را به موضوع فقه (افعال مکلفین) نزدیک کرد. او مناط تقسیم بندی خویش را در اصول، حالات سه گانه مکلف گرفت: **شک، قطع و ظن** «اعلم: ان المكلف اذا التفت الی حکم شرعی، فاما ان یحصل له الشک فیه، او القطع، او الظن»

[۱۶] **انصاری، مرتضی بن مجد امین، فرائد الاصول، ج ۱، ص ۲۵، مجمع الفکر الاسلامی، قم، چاپ نهم، ۱۴۲۸ ق.**  
و در همین سه عرصه، مباحث و **قواعد اصول** را طرح کرد، کمبودهای منطق استنباط را جبران کرد و به هر یک از مسائل و مباحث اصولی،

جایگاه طبیعی و منطقی داد و از این راه، فلسفه وجودی اصول را که قالب استدلال و منطق **اجتهاد** است، جلوه گر ساخت. او، در **فقه** نه تنها به قواعد، اصول و ادله گفته شده و هم سنخ با موضوع، بسنده نمی‌کرد، بلکه هم از داده‌های علوم دیگر، بهره می‌برد و هم قواعد و اصول و مبانی خود و فقیهان را در دیگر باب‌ها و کتاب‌های فقه، استخدام می‌کرد و از این راه، نگاهی نظام‌مند و همه گیر به فقه داشت. او، گرچه در کتاب‌ها و باب عبادات ابداع‌ها و ابتکارهایی دارد، ولی کار نمایان او در فقه، کتاب «بیع» است. اثری که فصلی جدید در **فقه معاملات** گشود.

## راز موفقیت شیخ انصاری

حوزه‌های علوم دینی، به جهت بافت ویژه‌ای که بر آن تحمیل شده، از رویکرد به مسائلی چون: **روش‌شناسی علم فقه، بررسی سبک استنباط و اجتهاد فقیهان**، آگاهی به رمز و راز و راه قله شدن فقیهان بزرگ، باز ماند و حرکتی درونی و دایره‌ای را در اصول و فقه، پیشه کرد. <sup>[۱۷۱]</sup> ایزدپناه، عبدالرضا، استاد فقیهان، مجله فقه، ص ۱۱، شماره اول، ۱۳۷۳ش. پی‌شک، در ساختن اندیشه وران قله سان، عوامل گوناگونی نقش داشته است که دسترسی به آنها کاری است مشکل. ولی با ژرف کاوی در آثار آنان و توصیف‌هایی که ارباب **تراجم** از آنان به دست داده‌اند، به برخی از آن اسرار می‌توان پی برد. در این نوشته، چهار عامل را که در موفقیت شیخ انصاری نقش داشته‌اند، به گونه‌ای گذرا بر می‌شمریم:

## ← برهان گرایی و خردمداری

در افکار شیخ انصاری، برداشت‌های سطحی و بی‌ریشه، راهی ندارند. پایه‌های فکری او، بر استدلال و دلیل بر افراشته شده است. مباحث اصولی را در قالبی منظم و مستدل ریخت و «**فرائد الاصول**» را پدید آورد. مباحث الفاظ و عقلی را در کتاب «**مطرح الانظار**» به معرض انظار نهاد. <sup>[۱۷۸]</sup> ایزدپناه، عبدالرضا، استاد فقیهان، مجله فقه، ص ۱۲، شماره اول، ۱۳۷۳ش.

او، عرف را نیز به بنای عقلا و برهان عقل بر می‌گرداند و اعتبار عرف را در **استنباط و اجتهاد**، از همین نگاه و زاویه می‌پذیرد. عرف‌هایی را که بستر پیدایش آنان، سنت‌های ملی، قومی و خرافه‌های بومی و اقلیمی است، مردود می‌شمارد. تنها بر «عرفی» که پایه خردپذیر دارد، تکیه می‌کند. در پاسخ آنانی که **عرف** را غیر از **عقل** دانسته و فرض **تعارض** برای آن دو کرده‌اند، می‌نویسد: «ان العرف لا حکومة له فی قبال العقل، بل العرف مرتبة من مراتب العقل و طور من اطواره؛ عرف، حاکم بر عقل نیست، بلکه عرف مرتبه‌ای از مراتب عقل و گونه‌ای از گونه‌های عقل است»؛

<sup>[۱۷۹]</sup> **انصاری، مرتضی بن مجدامن، مطرح الانظار، ج ۱، ص ۱۵۰.**

یعنی عرف معتبر، مظهری از مظاهر عقل و جلوه‌ای از آن می‌باشد.

<sup>[۱۸۰]</sup> **انصاری، مرتضی بن مجدامن، مطرح الانظار، ج ۱، ص ۱۵۰.**

## ← وفاق و بهره‌وری

دانشمندان در برخورد با نظریات مخالف، معمولاً دو شیوه را پیشه می‌کنند:

۱. انتخاب یکی از نظرات و طرح نظرهای دیگر. ۲. جمع بندی دیدگاه‌های مخالف.
- از مطالعه تاریخ علوم اسلامی؛ **کلام، فلسفه، فقه** و... این نتیجه به دست می‌آید: آنان که شیوه جمع بندی را برگزیده‌اند، هم نوآوری کرده‌اند، هم به شیوه‌ها و سبکی خاص، رسیده‌اند و هم بر غناک میراث اسلامی افزوده‌اند. <sup>[۱۸۱]</sup> استاد فقیهان، مجله فقه، ص ۱۴.

**صدرالمتألهین**، با جمع بین **عرفان، برهان و قرآن**، «**حکمت متعالیه**» را پی ریخت و **ملاهادی سبزواری**، با پیروی از همین روش، نظراتی نو در فلسفه عرضه کرد و حکیمی نامور شد. این روش، در سرتاسر کتاب‌های شیخ انصاری به چشم می‌خورد. در تعارض احادیث، به طرد آنها نمی‌پردازد و شتابزده روایات را به مسلخ **حمل** بر **تقیه** نمی‌برد. او، حتی موافق بودن یک حدیث را با نظر عامه، دلیل رد آن نمی‌شمارد و تا می‌تواند از آن در اجتهاد، بهره می‌گیرد.

## ← وفاق بین دیدگاه‌های فقیهان

در برخورد با دیدگاه‌های فقیهان نیز، همین شیوه را پی گرفت. دو نظریه متضاد: **سید مرتضی و شیخ طوسی** را در اعتبار و **حجیت خیر واحد**، با آوردن چندین وجه جمع، به تاویل می‌برد و در پایان، با تصرفی دقیق در نظر سید مرتضی، دیدگاه او را به شیخ طوسی نزدیک می‌کند و هر دو را در پذیرش **حجیت خیر واحد موقت**، همسو و هم نظر می‌کند. <sup>[۱۸۲]</sup> **انصاری، مرتضی بن مجدامن، فرائد الاصول، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۲.**

## ← آزاداندیشی و جامع نگری

تیزهوشی، سرعت انتقال، قوه حافظه و نقادی نظریات از خصایص بارز و مشهور شیخ انصاری بود. همین ویژگی‌ها از او عالمی آزاداندیش و جامع نگر ساخت. او، با جسارت و آزاداندیشی شگفت‌انگیزی، به نقد و بررسی افکار و آراء می‌پرداخت. همه اهل نظر، او را به ژرف نگری و آزاداندیشی ستوده‌اند.

<sup>[۱۸۳]</sup> **آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۳۲، اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ق.**

<sup>[۱۸۴]</sup> شیخ مجد حزر الدین، معارف الرجال، ج ۲، ص ۴۰، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.

هیچ گاه، حرمت و مکانت بزرگان، مانع وی نمی‌شود که از بررسی و نقد نظرات آنان سر برتابد. **برهان**، آزادی در استدلال را بر عناوین رجال مقدم می‌دارد. این سیره، در جای جای کتاب‌های فقهی و اصولی او به چشم می‌خورد. شیخ انصاری، با این که به «شهرت» احترام می‌گذارد و به گزاف و شتابزده، رای آنان را، رد نمی‌کند و حتی بر استدلال‌های آنان ادله‌ای دیگر

نیز می‌افزاید، اما در تابش نظرات مشهور، مبهوت نمی‌ماند، بلکه با شیوه‌ای ظریف و نکته‌سنجی ویژه، مبانی نظرهای آنان را به نقد می‌گذارد و در مواردی دیدگاه‌های آنان را می‌پذیرد که بر استحکام مبانی و درستی ادله آنان **یقین** کند. [۲۵۱](#) استاد فقیهان، مجله فقه، ص ۱۳.

شیخ انصاری، رسالت فقیهان و عالم دینی را محدود به بیان احکام فردی نمی‌داند. بر آن بود که تبیین حوادث واقعه، که از وظایف مجتهدان و فقیهان است، گستره‌ای دارد همدوش با نیازهای قانونی و رفتاری بشر. در همین راستا، «حوادث واقعه» را چنین تعریف می‌کند: «و اما الحوادث الواقعة ... فان المراد بالحوادث ظاهرا مطلق الامور التي لا بد من الرجوع فيها عرفا او عقلا او شرعا الى الرئيس؛ مقصود از حوادث واقعه در **توقيع** شریف؛ مطلق اموری است که ناچاریم در آن موارد، عرفا یا عقلا یا شرعا به فقها مراجعه شود». [۲۶۱](#) **شیخ انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، ج ۲، ص ۸۶، محقق و مصحح: زحمتی، مجد جواد، حسینی، سید احمد، منشورات دار الذخائر، قم، چاپ اول، ۱۳۱۱ق.**

براساس همین تفسیر، تبیین همه مقررات و نظام‌های اجتماعی را از وظایف مجتهدان به شمار می‌آورد. همین اندیشه، عامل رویکرد او به تواناسازی دستگاه استنباط و منطق **اجتهاد «علم اصول»** می‌گردد و طرح اعجاب برانگیز **اصول عملیه** را ابداع می‌کند، تا همه روابط فردی و اجتماعی انسان صبغه شرعی پیدا کرده و در قلمرو **اجتهاد فقهی** بگنجد. [۲۷۱](#) استاد فقیهان، مجله فقه، ص ۱۵.

## ← تهذیب نفس

دانشی که خاستگاهش **تقوا** و **تهذیب نفس** نباشد، چونان گلی است که در زباله روید. نفرت از مزبله مانع دلپذیری و روی آوری بدان می‌شود، هر چند بلند و در قله باشد. چنین علمی، اصطلاح‌هایی است بی نور، اسفاری است که حامل آن بهره‌ای جز رنج ندارد. در علم آنچه اساس است و مایه ارزش و عالم را ماندگار می‌کند، اتحاد جان عالم با حقیقت علم است (**علم حضوری**). [۲۸۱](#) استاد فقیهان، مجله فقه، ص ۱۶.

علمی که از **عرش الهی** بر کویرستان ناآگاهی فرو بارد، ماندگار شده بار می‌دهد و ره می‌نماید. چنین دانشی با **فطرت انسان** همراه است. به همین جهت می‌باید و آن عالم را نیز جاودان می‌کند. او، مکانتی یافته بود که **میرزا حسین نوری**، چنین ترسیم می‌کند: «تفضل فرمود خداوند متعال بر جابر برون آورد از **صلی** او، مردی را که یاری نمود ملت و **دین** را. در **علم**، تحقیق، دقت، **زهد**، **ورع**، **عبادت** و کیاست، به مرتبه‌ای رسید که عالمان گذشته به آن مقام پا ننهاده بودند». [۲۹۱](#) **مجدد نوری، میرزا حسین، خاتمة المستدرک، ج ۲، ص ۴۳، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، قم، ۱۳۱۷ق.**

بی شک فطانت، دقت و ابتکارهای شیخ انصاری، مرهون پارسایی، مراقبت و پاکی نفس او بود، نور کلمات و آثار او، که از نور الهی پرتو می‌گرفت، یک **قرن** پایید و بهره رساند و صدها مجتهد و فقیه نام آور را پرورید.

## نتیجه

امروز، که صدها مسئله جدید پاسخ شرعی می‌طلبد و در شکل زندگی انسان دگرگونی جدی پدید آمده است، از هر روز دیگر به شناخت فقیهان مبتکر، مؤسس و نوآور نیازمندتریم. همانانی که در روزگار خویش، در عرصه فقاقت طرحی نو افکندند، تحولی جدید آفرینند و سرفصلی دیگر در میراث فقهی **شیعه** گشودند. بایسته است حوزویان چنان فقیهانی را نیک بشناسند و از راه و رسم آنان در تامین نیازهای زمانشان پاسخ بگیرند. بایسته است امروز حوزویان به خواندن متن «**فرائد الاصول**» و «**مکاسب**» بسنده نکنند، بلکه از آن کتاب‌ها نه تنها **روش اجتهادی شیخ انصاری**، که راه و رسم تحول در **اصول و فقه** را بیاموزند و براساس مقتضیات زمان در تواناسازی دستگاه **اجتهاد**، برای پاسخ گویی به نسل تشنه امروز، بکوشند و فقه شیعه را پا به پای نیازهای زمان جلو برند. لازم است روش و اصول کار آنان را دلیل راه کنیم بر **تجرب**، تنگ نظری و دیگر موانع بشوریم و فضای مطهر حوزه را برای ظهور و بروز افکار نو حوزویان آماده سازیم.

## پانویس

۱. [↑](#) **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۷، دار التعارف، بیروت، ۱۳۰۶ق.**
۲. [↑](#) **حسینی جلالی، سید مجد حسین، فهرس التراث، ج ۲، ص ۱۵۶، انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۲۲ق.**
۳. [↑](#) **سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۶۵۴، مؤسسه امام صادق، قم.**
۴. [↑](#) **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۷.**
۵. [↑](#) **سید مجد حسین، فهرس التراث، ج ۲، ص ۱۵۶.**
۶. [↑](#) **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۸.**
۷. [↑](#) **سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۶۵۴.**
۸. [↑](#) **سید مجد حسین، فهرس التراث، ج ۲، ص ۱۵۶.**
۹. [↑](#) **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۸.**
۱۰. [↑](#) **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۸.**
۱۱. [↑](#) **سید مجد حسین، فهرس التراث، ج ۲، ص ۱۵۶.**
۱۲. [↑](#) **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۸.**
۱۳. [↑](#) **سید مجد حسین، فهرس التراث، ج ۲، ص ۱۵۶.**
۱۴. [↑](#) **سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۶۵۵.**
۱۵. [↑](#) **سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۵۹۰.**
۱۶. [↑](#) **امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۷.**
۱۷. [↑](#) **سید مجد حسین، فهرس التراث، ج ۲، ص ۱۵۷.**
۱۸. [↑](#) **رشتی، حبیب الله بن مجدعلی، بدائع الافکار، ص ۴۵۷، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول.**

۱۹. [↑](#) امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۸.
۲۰. [↑](#) سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۶۵۶.
۲۱. [↑](#) انصاری، الشیخ مرتضی، فرائد الاصول، ج ۱، ص ۵۷.
۲۲. [↑](#) امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۸.
۲۳. [↑](#) مغنیه، شیخ مجد حواد، علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید، ص ۴۴۹، دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ اول، ۱۹۷۵م.
۲۴. [↑](#) شیخ مجد حرز الدین، معارف الرجال، ج ۲، ص ۴۰۰، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.
۲۵. [↑](#) ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، ص ۳۳۱، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۲۶. [↑](#) انصاری، مرتضی بن مجد امین، فرائد الاصول، ج ۱، ص ۲۵، مجمع الفكر الاسلامی، قم، چاپ نهم، ۱۴۲۸ق.
۲۷. [↑](#) ایزدیناه، عبدالرضا، استاد فقیهان، مجله فقه، ص ۱۱، شماره اول، ۱۳۷۳ش.
۲۸. [↑](#) ایزدیناه، عبدالرضا، استاد فقیهان، مجله فقه، ص ۱۲، شماره اول، ۱۳۷۳ش.
۲۹. [↑](#) انصاری، مرتضی بن مجد امین، مطارح الانظار، ج ۱، ص ۱۵۰.
۳۰. [↑](#) انصاری، مرتضی بن مجد امین، مطارح الانظار، ج ۱، ص ۱۵۰.
۳۱. [↑](#) استاد فقیهان، مجله فقه، ص ۱۴.
۳۲. [↑](#) انصاری، مرتضی بن مجد امین، فرائد الاصول، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۳۲.
۳۳. [↑](#) آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۳۲، اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ق.
۳۴. [↑](#) شیخ مجد حرز الدین، معارف الرجال، ج ۲، ص ۴۰، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.
۳۵. [↑](#) استاد فقیهان، مجله فقه، ص ۱۳.
۳۶. [↑](#) شیخ انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، ج ۲، ص ۸۶، محقق و مصحح: رحمتی، مجد حواد، حسینی، سید احمد، منشورات دار الذخائر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۳۷. [↑](#) استاد فقیهان، مجله فقه، ص ۱۵.
۳۸. [↑](#) استاد فقیهان، مجله فقه، ص ۱۶.
۳۹. [↑](#) محدث نوری، میرزا حسین، خاتمة المستدرک، ج ۲، ص ۴۳، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، قم، ۱۴۱۷ق.

#### منبع

[بایگاه اسلام کوئست برگرفته از مقاله « زندگی نامه و مقام علمی شیخ انصاری » تاریخ یازدہم ۱۸/۱۰/۱۳۹۲.](#)